

نمیخواست بیش از این سردار عامل کشتارهای بغداد و قتل عام سربازان عراقی در حال عقب نشینی از کویت را، شرمند کند. هدف دولت آمریکا در آن جنگ هنوز برآورد نشده بود. نه اروپا و نه چین و ژاپن و نه روسیه، چه از نظر اقتصادی و یا سیاسی میدان سیاست و بازار اقتصاد را در کشورهای حوزه خلیج به آمریکا واگذار نکردند. در فاصله سال ۹۱ تا ۲۰۰۳ اقتصاد سرمایه داری آمریکا سیر رو به افول را ادامه داد. کار به جایی رسید که حاصل بمبارانهای بلگراد و راه انداختن دستجات مسلح قومی و سپس سقوط توتالیتر دیگری به نام میلسویچ "استالینیست"، میدانی را برای بازسازی اقتصاد



دهد. از طرف ستاد رهبری جنگ تحت هدایت بوش پدر، هشدار داده شد، که این هدف جنگ او نیست و ژنرال شوارتسکف از اینکه منطق و فلسفه آن جنگ را صرفا از زاویه نظامی فهمیده بود، از بوش عزرواهی کرد. بوش که قناعت به این حد را کافی میدانست، با جمله: "take it easy"

بهبانه و توجیه بمباران بغداد، "تجاوز" رژیم صدام به کویت بود. ارتش عراق از کویت عقب نشست و به آتش بس خفت باری هم تن داد. همان وقتها ژنرال شوارتسکف فرماده عملیات "طوفان صحرا" اعلام کرد که خواهد توانست تا بزیر کشیدن حکومت صدام پیشروی نظامی را تا بغداد ادامه

پرده ای از جنگی پیچیده تر نگاهی دیگر به جنگ اسرائیل در لبنان!

ایرج فرزاد

iraj.farzad@gmail.com

بالاخره پس از ۳۴ روز جنگ و لشکر کشی و زیر و رو کردن لبنان، از ساعت ۷ بامداد روز دوشنبه این هفته آتش بس شکننده ای در جنوب لبنان برقرار شد. این جنگ مجموعاً طوق آمار منتشر شده، جان بیش از ۱۰۰۰ نفر را قربانی کرد که در آن میان حدود یک دهم آنرا سربازان اسرائیلی تشکیل میدهند. اوضاعی که این جنگ باعث بوجود آوردن آن شده است، حملات بیرحمانه ارتش اسرائیل و "مقاومت" حزب الله، اگر نه در ابعاد کمی، که از نظر خصلت آن،

شبهات زیادی به جنگهای آمریکا علیه عراق در سالهای ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ دارد. در عراق ظاهراً کوتاه کردن دست حکومت "توتالیتر" صدام حسین، تمرینی بود برای نمایش تمام نمای "دمکراسی" بوش. "محورهای شیطان" و دست نشان کردن شیاطین لازم شدند تا دولت آمریکا جنگی را که در آن بر سر اعاده مقام سرکردگی و ژاندرمی در میدان دیگری با آن روبروست، آغاز کند. و این جنگ از همان دوران جنگ خلیج در سال ۹۱ آغاز شده بود. در جنگ سال ۹۱،

در صفحات دیگر این شماره

خلاصه از چند اطلاعیه خبری، حزب کمونیست کارگری عراق، در ارتباط با تحرکات اعتراضی چند روز اخیر شهرهای کردستان عراق!

اکتبر می پرسد؟ (گفتگو با سلام زیجی)

منصور اسانلو آزاد شد! (نسان نودینیان)

محاکمه و بازداشت و زندانی کردن مردم محکوم است!
(خالد حاج محمدی)

۲۸ مرداد ۵۸

نسل جوان، به این حقایق تاریخی نیاز دارد!
(عبدالله شریفی)

طبق اخبار رسیده از کمیته بوکان حزب حکمتیست، اعتصاب تاکسیرانان شهر بوکان با موفقیت پایان یافت. برای دریافت اخبار مبارزات مردم شهرهای کردستان به سایت اکتبر مراجعه کنید.

www.oktoberr.com

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

(Hahn) ۲دوسلدورف

Dusseldorf (Weeze)

کسانی که با قطار و ماشین مسافرت میکنند با شماره تلفن های اعلام شده در این اطلاعیه تماس بگیرند تا از نحوه انتقال به محل کنگره اطلاع یابند. به منظور تامین امکانات نقل و انتقال، اسکان و امور زیستی در روزهای برگزاری کنگره علاقمندان به شرکت در کنگره لازمست ثبت نام کنند. برای ثبت نام در کنگره به شماره تلفنهای زیر و آدرس ای مایل کنگره مراجعه کنید.

اسد نودینیان

0046 73 65 355 67

خالد حاج محمدی

0046 70 74 85 7 54

congere1_hekmatist@yahoo.com

کمیته رهبری حزب کمونیست کارگری -
حکمتیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در روزهای شنبه و یکشنبه ۲۱ و ۲۲ ماه اکتبر ۲۰۰۶ بطور علنی در کشور آلمان برگزار میشود. تعداد ۱۵۰ نماینده از تشکیلاتهای مختلف حزب در کنگره شرکت خواهند کرد. حزب از احزاب و سازمانهای سیاسی و رسانه های خبری برای حضور در این کنگره رسماً دعوت خواهد کرد.

شرکت در این کنگره برای عموم آزاد است و همه علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره حضور یابند.

برگزاری اولین کنگره حزب حکمتیست، فرصت مناسبی است برای آشنایی از نزدیک با حزب حکمتیست، ارگانها، رهبری و کادرهای آن در جریان عالیترین ارگان حزبی.

همه شرکت کنندگان در کنگره از ساعت ۱۴ روز جمعه بیستم اکتبر تا ساعت ۲۴ همان روز به محل کنگره منتقل میشوند. کسانی که برای حضور در کنگره با هواپیما مسافرات میکنند لطفاً به فرودگاههای زیرببایند و از آنجا به محل کنگره منتقل میشوند.

1-کلن- بن (COLOGNE)

BONN)

۲ فرانکفورت (هان) FRANKFURT

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اکتبر می پرسد؟



سلام زیجی

اکتبر:

از جمله حضور نظامی و علنی گارد آزادی، طی چند ماه گذشته در شهرهای متفاوت کردستان، روند فعالیت حزب حکمتیست را با تغییرات جدی روبرو کرده است. جایگاه این فعالیت ها در شکل دادن به سیمای سیاسی و اجتماعی حزب حکمتیست و رابطه آن با اوضاع جاری چیست؟

سلام زیجی:

اجازه بدهید با یک مقایسه تاریخی شروع کنیم. سال 57 همه مردم ایران برای آزادی و رفاه و خوشبختی جنگیدند و قربانی دادند و استبداد پهلوی را سرنگون کردند اما بدلیل بی حزبی و بی رهبری طبقه کارگر در قدرت سیاسی قادر به بازی نقش تعیین کننده نشد. آن قیام عظیم به این منجر شد که کلاه سر مردم بزراند و آن انقلاب را به خون کشیدند.

امروز داریم به تکرار همان سناریو به نوعی مشابه و در دل اوضاع جنیدی نزدیک می‌شویم و ما نمی‌خواهیم و نباید اجازه داد که آن سناریو تکرار شود و مردم را ناکام و سرکوب کنند. در نتیجه هم جایگاه این نوع فعالیت‌های مورد سوال شما و هم کلیت فلسفه وجودی گارد آزادی از نظر من در پاسخ به این وضع و برای مقابله با آن و برای دفاع از حقوق و

آزادیهای طبقه کارگر و مردم تحت ستم معنی دارد و حائز اهمیت است.

27 سال تمام است در کارخانه و مدارس و محله و خیابان با ارتجاع حاکم اسلامی مبارزه میکنیم و کرور کرور از ما را گذشته اند و نسلی از ما را از بین برده اند ولی مبارزه و امید و آرزو برای سرنگونی جمهوری اسلامی خاموش نشده است. اما درست در این شرایط و در بطن مبارزه گسترده مردم بر علیه جمهوری اسلامی فاکتورهای منفی و قابل توجه جدی عمل میکنند که به مراتب خطر ناکتر از سال پنجاه و هفت است. خطر بزرگی است که بر زندگی حال و آینده طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران سایه افکنده و سنگینی میکند. جمهوری اسلامی و کنگستریسم اسلامی و قومی، امریکا و قلدری نظامی و بلاخره پروژه سمی قوم سازی و فترالیسم قومی جامعه ایران را در یک قدمی سناریو سیاه قرار داده است که می تواند ابعاد ویرانگری آن در فردای ایران، صد برابر عراق امروز باشد.

در این شرایط خاص نه تنها جایگاه حضور نظامی و علنی گارد آزادی که نقش خود حزب ما و هوشتیاری و نقش سرنوشت ساز همه کارگران و مردم شرافتمند و آزادیخواه ایران میتواند معنی و جایگاه سرنوشت سازی داشته باشد. اینبار به جای پوشش و حربه اسلامی لباس ملی و قومی که حاصل نظم نوین بوش و بلر است به بازار عرضه کرده اند و می‌خواهند مردم را به جون هم به اندازند و یک مشت اوباش ناسیونالیست قوم پرست که با پول

پنناگون جون گرفته اند و در آرزوی "بخالت بوش و بلر" و حمله نظامی امریکا در سالن انتظار بسر میبرند جامعه ایران را نابود کنند و برای یک عمر دیگر مردم را به سوی دنیا وحشی جنگ قومی و دینی و سناریو سیاه ببرند. ما داریم مردم را در گارد آزادی سازمان میدهیم تا قدرت واقعی مردم بر علیه این روند قاندر به مبارزه کارساز باشد.

ما در دو سطح اظهار وجود نظامی و علنی داریم که هر دو در راستای قدرت مند کردن مردم در مقابله با خطرانی هست که به اختصار به آن اشاره کردم. باید مردم را به حقایق اوضاع کنونی هر چه بیشتر آشنانه نمود. باید راه و مکانیزم مبارزه و نوع سازمان یابی و تشکل جوانان و مردم متفردی از اسلام و قوم پرستی و قلدری امریکا را نشان داد. بایستی مردم را متحد کرد و کاری کرد که احساس قدرت کنند. حیاتی است که مردم تنها حزب موجود خلاف جریان، حزب منصور حکمت، و تنها پرچمی که راه را نشان میدهد و مصمم است که مانع تکرار تاریخ تلخ سال 57 شود و جدی است که دشمنان مردم و مدافعان سناریو سیاه و جنگ و خونریزی قومی را ایزوله و از میدان بدر کند. فرخوان پیوستن به آنرا داد. این کار مهم دیگر ما در گارد آزادی است. ما هم در سطح حضور علنی رهبران کمونیست و هم در سطح حضور علنی واحدهای گارد آزادی که در چند ماه اخیر در پنج شش شهر کردستان اظهار وجود کرده اند و مورحمایت گسترده مردم قرار گرفته اند تلاش کرده ایم امید به پیروزی بخش آزادیخواهانه

جنبش سرنگونی را با هژمونی چپ و رهبری حزب حکمتیست را تقویت کنیم. همچنین به سازمان گارد آزادی بعنوان شکل جدیدی از سازمان یابی و تشکل سیاسی و نظامی مردم به ویژه جوانان ملایت ببخشیم هر چند بنظر من هنوز در این زمینه در اول راه هستیم. می‌خواهم تاکید کنم که اگر از این زوایا به جایگاه حضور علنی و نظامی رهبران کمونیست و واحدهای گارد آزادی نگاه کنیم میبینیم که در راستای اهداف و سیاستهای حزب به ویژه در این دوره از اهمیت زیادی برخوردار بوده که لازم است هم ما و هم مردم در ابعاد بسیار وسیعتر به استقبال آن برویم و آن را گسترش دهیم جایگاه و خاصیت این نوع حضورها و همینطور عموماً جایگاه گارد آزادی، چه در تهران و چه در تبریز یا سنجندج به این وظیفه حیاتی گره خورده است که چنان گسترده و قدرتمند باشد که هم امروز و هم در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی و بعد از آن حافظ امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم است و اجازه نمی دهد امنیت و آزادی مردم به دست دار و دسته های قومی، اسلامی، یا گانگستر های سیاسی گرو گرفته شود. نمیگذارد بنیادهای زندگی منی در جامعه از هم پاشیده شود. اجازه نمی دهد ایران را عراقیزه کنند. گارد آزادی در همه جا ایران عنصر قدرت و اتحاد مردم است. باید چنین باشد. سر انجام حضورهای امروز ما اصولاً باید فرادا به این قدرت و امید تبدیل شود و از هم اکنون به این جهت کمک کند. از نوع فعالیت و نوع مشغله تا عملکرد سیاسی هر تک واحدی که امروز

شکل میگیرد باید بتوان آن تصویر و وظایفی که برای گارد آزادی تعریف شده است، جامعه آنرا احسلس کند.

اگر در محله ای هنوز نسبت به زنان فرهنگ و قوانین اسلامی و قومی حاکم است، آداب و معاشرت کهنه و فرهنگ ضد زن و ضد کودک حاکم است، قوم پرستان و جمهوری اسلامی نست بالا را دارند. مردم نسبت به آنها حساس و متحد نیستند، و اوباش جمهوری اسلامی هنوز توان مانور و مزاحمت و پرسه زدن را بعد از غروب را نیز در محله دارند هنوز گویای این است که گارد آزادی در ابعاد اجتماعی و موثر وسیع و قدرتمند میخ خود را در آن محله و شهر نکوبیده است. از این زاویه نیز اگر به حضور علنی این دوره خود نگاه کنیم من فکر میکنم قهملای اولیه را بر داشته ایم اما هنوز راه زیادی به آن تصویر داریم. حتماً باید و میتوان بطور مستمر این نوع حضورها را نه تنها باید ادامه داد که گسترده تر و قدرت مندتر هم سازمان بدهیم. اما تا این لحظه تمرکز واحدهای ما عملاً روی بخشی از جوانب که بر شمرده شده است، نقض حاکمیت جمهوری اسلامی و کنترل سیاسی که این و به ویژه در گلهای نخست ودر اولین اظهار وجود هر واحدی به ویژه در شهرهای کردستان در این دوره لازم و ضروری است. اما در ادامه باید واحدهای ما به همه جوانب نقش مهم خود در محلات توجه جدی داشته باشند.

15-08-2006

S_zijji@yahoo.se

خلاصه از چند اطلاعیه خبری، حزب کمونیست کارگری عراق، در ارتباط با تحرکات اعتراضی چند روز اخیر شهرهای کردستان عراق!

اکثریت اعضا کمیته پیگیری مطالبات مردم شهرهای کردستان که کمیته مستقل است نیز در میان دستگیر شدگان میباشند.

حزب کمونیست کارگری عراق، ضمن محکوم کردن این اعمال ضد آزادی و ضد مردمی، از خواست و مطالبات مردم شهرهای کردستان عراق قویا حمایت میکند و مردم را به دفاع از زندگی و حرمت و آزادی خود در مقابل سرکوب و فقر و فلاکت فرا میخواند.

زمانکو عزیز عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق و جمعی از کلرها و اعضای این حزب توسط اتحادیه



میهنی دستگیر شده اند.

در این سلسله تحرکات اجتماعی، حضور نسل جوان چشمگیر است. مردم از عدم دسترسی به برق و آب و مواد سوختنی و گرانی سرسام آور مایحتاج عمومی به تنگ آمده اند. در مقابل این اعتراضات محق مردم شهرهای کردستان عراق، نیروی مسلح و نیروی امنیتی حزب اتحادیه میهنی کردستان، در نهایت خشونت بیش از ۳۰ نفر را مجروح و یک شهروند به اسم آریامحمود در کلار را به قتل رساندند.

چند صد نفر دستگیر شده اند. خبر از پر شدن زندان "گه می" در نزدیکی سلیمانیه حاکی از شمار بالای دستگیر شدگان در شهرهای مختلف است. که در این میان

طبق اخبار مندرج در چند اطلاعیه تشکیلات کردستان حزب کمونیست کارگری عراق، مردم بطور گسترده در شهرهای کفری، کلار، چچمال، زرین و سرانجام سلیمانیه و دهوک از شهرهای پر جمعیت کردستان عراق، در اعتراض به کمبود آب و برق و مواد سوختنی و امکانات ابتدایی زیستی، گرانی و بیکاری ... به یک سلسله تحرکات اعتراضی دست زدند. تظاهرات وسیع در این شهرها بار دیگر فضای جامعه کردستان را ملتهب کرد.

حضور مردم به ستوه آمده در خیابانها بار دیگر با آتش نیروهای مسلح اتحادیه میهنی روبرو شد.

۱۵ اوت ۲۰۰۶
اکتبر

اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

۲۸ مرداد ۵۸

نسل جوان، به این حقایق تاریخی نیاز دارد!
عبدالله شریفی

روز ۲۸ مردادسال ۵۸ در ادامه سرکوب خونین انقلاب مردم ایران، خمینی فرمان هجوم علیه مردم آزادیخواه را به کردستان صادر کرد.

اکنون بعد از نزدیک به سه دهه از این مقطع تاریخی میگذرد، نسلی کامل از جوانان نه خاطره ای از این واقعه در ذهن دارند و نه الزامی است داشته باشند، اگر چنین است پس چرا باید مصرانه این خاطرات و حقایق را باز نویسی کرد؟

اکنون تبیین جریانات ناسیونالیست و قوم پرست کرد از این واقعه نه تنها خالی از حقیقت تاریخی است بلکه تحریف عمدانه از آن تاریخ است، به همین دلیل لازم است شاهدان و تاریخ سازان زنده، در دفاع از حقایق مبارزات مردم و گرامیداشت تلاشهای بیدریغ آزادیخواهان و مردم زحمتکش کردستان، این نسل عظیم و پر شور جوان را در مقابل تحریفات و تاریخ سازی جعلی این جریانات دست خالی نگذارند. اکنون جریانات فرالیست چی قومی که علیرغم دیدن اوضاع عراق و کردستان عراق، علیرغم تجربه تلخ بشریت، در این دو دهه اخیر، باز قیحانه به امید موشکهای کروز و ویرانی جامعه، آرزوی عراقیزه شدن ایران را در سر میپوراندند. آشکارا واقعه ۲۸ مرداد را به ماتریال پروپاگاندا و نفرت پراکنی قومی تبدیل کرده اند.

اگر این روز یادآور خاطرات تلخ تاریخی و آغاز مصائب مردم است، اگر یادآور عروج اسلام سیاسی، لشکرکشی ارتش و قداره بندان اسلامی، خون، وحشت، کشتار و خانه خرابی و... است. اما همزمان نیز یاد آور مقاومت عظیم، مردمی است که ایستادند تا از آزادیها و دستاوردهای، انقلابی، که برای رهایی از ستم و فقر و بیحقوقی بپا خواسته بودند، و چندی قبل رژیم مستبد سلطنتی را به زیر کشیده بودند، دفاع کنند.

رژیم اسلامی با یورش خونین به کارگران ماهیگیر انزلی شروع کرد، اعتراضات کارگری را به خون کشید، نوروز خونین سنج، حمله و خشونت سازمان یافته به جنبش برابری طلب زنان در سراسر ایران، به خون کشیدن اعتراضات مردم گرگان و کنبند، تهاجم نظامی به شهر میروان، راه اندازی تخاصمات خونین در نقده و دهها رشته یورش خونین، علیه دستاوردهای انقلابی مردم که واقعه ۲۸ مرداد نیز در این پروسه سرکوب خونین انقلاب، جایگاه و معنی واقعی دارد.

هنوز امکان بازگشت موج جوشان انقلاب مردم، خطر جدی تلقی میشد. هنوز مسله قدرت، معلق بود و امکان تحولات و به چپ چرخیدن جامعه، هراسناک، در مقابل سرکوبگران اسلامی بود. که ۲۸ مرداد بوقوع پیوست. آن زمان، من در مکانی که نقطه

آغاز این هجوم وحشیانه بود (پاوه) فعالیت می کردم. رژیم اسلامی با گسیل نیروی سپاه پاسداران و تقویت ارتش در شهر پاوه، فضای نظامی و ارعاب بوجود آورد. ما چند دسته از جوانان پاوه و نوسود و نودشه و جوانرود را از ماجرا مطلع کردیم، با هم تصمیم گرفتیم و طرح تحصن عمومی علیه اشغال و حضور ارتش و سپاه پاسداران اسلامی در شهر پاوه را سازمان دهیم. ظرف ۳ روز در جواب پیامهای ما حدود ۲۰۰۰ نفر از شهر و روستای اطراف بمانحلق شدند. مرتجعین و روسای عشایر متوجه شدند که از توطئه خود ناکام مانده اند، اینبار همراه نیروی مسلح خود آمدند و از تحصن پشتیبانی کردند. البته مستقیم و بلافاصله در کنار حزب دمکرات کردستان قرار گرفتند و نماینده حزب در آن تحصن (رحیم بغدادی) از آنها بعنوان اعضای حزبشان اسم میبرد.

جوانان شهرهای پاوه، نوسود و نودشه با پرچمهای قرمز به ما ملحق میشدند و مردم از آنها استقبال میکردند. در این مدت مرتب مردم از شهر و روستاها امکانات تدارکاتی مواد غذایی و کمکهای خود را به تحصن می رساندند. پس از چند روز دولت اسلامی از طریق استانداری و ارتش کرمانشاه اعلام کرد که قصد مذاکره با متحصنین را دارد. در هر صورت ما اقدام به تشکیل مجمع عمومی و انتخاب کمیته ای برای هدایت تحصن را شروع کرده بودیم و قطعنامه ای هم آماده کرده بودیم تا به تصویب مجمع عمومی برسانیم که خواسته ها و مطالبات تحصن در آن فرموله شده بود.

حزب دمکرات کردستان در کنار روسای عشایر و ما (کومه له آن دوره) در راس چپ و حمایت مردم، نو طرف توازن قوا را تشکیل می دادند. بلاخره قطعنامه تصویب شد، یکی از مهمترین بندهای آن (تخلیه فوری نیروی مسلح رژیم اسلامی از منطقه بود). یک روز بعد هیئتی از طرف دولت با یک هلی کوپتر که مرکب از سه آخوند و دو افسر ارشد ارتش و سپاه پاسداران بودند، در پلگاه قوری قلعه فرود آمدند. هیئتی ۹ نفره از ما به مذاکره رفتیم خیلی زود معلوم شد که هیئت دولت برای مذاکره نیامده بودند، بلکه فرستاده شده بودند تا از نزدیک وضع را ببینند و امکان ارتباط پنهانی را با مرتجعین محل فراهم سازند. حزب دمکرات مانند همیشه خط سازش و مماشلت را پیش گرفت، بلاخره مذاکره بدون نتیجه و با وعده وعیدهای هیئت دولت پایان یافت.

سرانجام روز ۲۷ مرداد درگیری در اطراف شهر پاوه شروع شد. رژیم اسلامی با تمام توان شروع به تقویت خود و توپباران منطقه کرد. در همان روز تعدادی از جوانان مبارز شهر بدون محاکمه به جوخه های مرگ سپرده شدند. ۲۸ مرداد اوج این درگیری بود. رفته رفته از پاوه و کامیاران و سنندج تا سقر و مهاباد و خلاصه سراسر کردستان میدان مقاومت مردم علیه توحش اسلامی شد. جلاان اسلامی از خلخالی و چمران و جلاان دیگر را به منطقه اعزام کردند. اعدام، کشتار و زندانی کردن هزاران مبارز زن و مرد تنها گوشه ای از سرکوبگری ضد انقلابی رژیم اسلامی بود.

اما حضور سازمان یافته کمونیستها (کومه له آن دوره) در صف مقدم این مبارزه، یکی از موثرترین فاکتورهای بود که به زودی و بعد از ۳ ماه مقاومت و مبارزه اعتراضی گسترده و متحد، موج برگشت. رژیم شکست خورد و ناکام شهرها را یکی بعد از دیگری تخلیه کرد. جلاان این بار در لباس هیئت صلح اعزام شدند. اما طولی نکشید، در نوروز ۵۹ با فرمان ۱۳ ماده ای خمینی، تعرضی دیگر با ابعاد جنایتکارانه جدید، علیه مردم ایران از کارخانه و مدرسه و کوچه و خیابان شروع شد. کشتار کارگران، زنان و کمونیستها، هجوم مجدد به کردستان، حمله به آزادیهای مردم، یورش به مطبوعات و احزاب و تشکلهای در اقصا نقاط ایران به وحشیانه ترین شیوه صورت گرفت.

درست است که رژیم اسلامی در نهایت جنون و جنایت انقلاب مردم را در دوره ای، به دلایل قابل توضیح به شکست کشاند، اما هرگز نتوانست آزادیخواهی را بکشد. آن همه توحش و درندگی، نتوانست، آرزوهای انسانی، خواست تغییر زندگی، طلب کردن آزادی و رفاه را شکست دهد، و امروز نیز نباید مجال داد که از تحریف عمدانه آن حقایق تاریخی، جریانات قوم پرست در جهت منافع ضد مردمی خود استفاده کنند، حقایق رایکال و مبارزه جویانه مردم را باید همیشه در مقابل ضد حقایق این جریانات دست داشت.

۱۴ اوت ۲۰۰۶

منصور اسانلو آزاد شد!

نسان نوینیان

آزادی منصور اسالو رهبر سندیکیای صنفی کارگران اتوبوسرانی اتفاق مهمی است. آزادی آقای اسالو از سد مقاومت و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی عبور کرد. آزادی منصور اسالو شکستن قدرت جمهوری اسلامی بود. به این لحاظ اهمیت دارد و باید از این زاویه بررسی کرد. کمپین دفاع از آزادی اسالو یکی از کمپینهای مهم ایندوره کارگران اتوبوسرانی بود. کارگران و

رهبران سنککای اتوبوسرانی تهران با عزم و اراده متحد کارگران و با حمایت وسیع کارگران مراکز تولیدی از ایران خود رو تا دیگر مراکز تولیدی و حمایتهای وسیع بین المللی در خارج از کشور به هدف آزادی منصور اسالو رسید. تلاشهای بین المللی و دفاع از آزادی اسالو در سطح افکار عمومی، ارسال صدها نامه اعتراضی، اعتراض به در بند نگه داشتن اسالو و مطالبه فوری آزادی

اسالو به جمهوری اسلامی و انعکاس خبری اقدامات بین المللی در رسانه ها و در مراکز تولیدی به اهرم فشار جدی علیه نظام سرکوبگر جمهوری اسلامی تبدیل شد.

اسالو آزاد شد. اما فشار و در بند نگه داشتن کارگران و آقای اسالو در چارچوب قوانین ضد کارگری جمهوری اسلامی هنوز اهرم سرکوب کارگران و مردم ایران است! برگزاری دادگاههای محاکمه کارگران و پرونده سازیهای اطلاعات و عوامل رژیم برای کارگران و از جمله برای اسالو در نظام جمهوری اسلامی پدیده و



ترند آشنایی است. کارگران و مردم مبارز باید آماده باشند که هر نوع محاکمه و دانگاهی کردن اسالو را به کمپین وسیعتری علیه قوانین و دادگاه های این رژیم تبدیل کنند. آزادی اسالو و اعتراضات گسترده کارگران ایران و حمایتهای درخشان بین المللی از این کمپین و در منگنه گذاشتن جمهوری اسلامی اقدامات کارساز و حیاتی

در شرایط امروز است. آزادی منصور اسالو بر يك حقیقت تاکید میکند، جنبش کارگری غول خفته ای است که اگر برخیزد، کار کل اردوی ارتجاع با همه دستگاه های تبلیغاتی اش، حامیان بین المللی و ارتش و سپاه و ابانش، سرنیزه ها و شلاقها و عماله هاییش، بسرعت یکسره خواهد شد! در سر آغاز روزهای خوب و موفقیت کارگران ایران برای آزادی اسالو بر این باور تاکید میکنیم و به کارگران ایران باید بگوییم، که اردوی آزادی و برابری و رهایی در ایران چشم بشما دوخته است. اوت ۲۰۰۶

به کمیته کردستان حزب حکمتیست، کمک مالی کنید، کمک های مالی خود را از طریق ممکن بدست ما برسانید!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

محاكمه و بازداشت و زندانی کردن مردم محکوم است!

خالد حاج محمدی
khaledhaji@yahoo.com

رژیم در سفر محاکمه خواهند شد. تعدادی هم از جمله محی الدین آزادی، کیوان قهرمانی، هادی حسن پور، نوزاد علانی، سعدی خادمی، مجید مالکی و شهرام انصاری، طبق اطلاع ما بعد از محاکمه تبرئه شده اند. این تعداد فقط از شهر سفر و کستانی هستند که خبر دستگیری و محاکمه آنها بنست ما رسیده است. آمار واقعی در خود شهر سفر از اینها بیشتر است.

جدا از شهر سفر در سنندج و مهاباد و بوکان نیز به جرایم مختلف تعدادی را بازخواست و محاکمه کرده اند. هم زمان در همین مدت بسیاری از شخصیتها و فعالین مدنی، فعالین کارگری، زنان و کودکان را در شهرهای کردستان احضار کرده و حتی در مواردی تهدید به کشتن و ربودن کرده اند. ما قبلا در مورد تهدید آزاد زمانی، تهدید به ترور برهان دیوارگر، تهدید محمود صالحی و نجیبه صالح زاده که قرار است بزودی محاکمه هم بشوند، تهدید و سرانجام حکم تبعید پیمان نودینیان نماینده معلمان استان کردستان، گفته و نوشته ایم لیستها بالاتر از اینها است و معلوم نیست مقامات رژیم و مراکز اطلاعاتی و

جمهوری اسلامی ایران در راستای سیاستهای سرکوبگرانه خود در این مدت دهها نفر از جوانان و مردم را به جرم شرکت در اعتراضات تابستان ۸۴ و بنیبال اعصاب عمومی مردم در شهرهای کردستان که علیه قتل و عام و کشتار مردم و نظامی کردن محل کار و زندگی آنان صورت گرفت، احضار، محاکمه و بازداشت کرده است.

فقط در شهر سفر تحت نام "اقدام علیه امنیت ملی" هفت نفر را به دادگاه احضار و حکم زندان داده اند. اینها عبارتند از: فریدین فرج پور یک سال زندان، دیباکو صالحی دو سال، شاهو ملکی نو سال، حسین محمدی سه سال، ابراهیم صالحی سه سال، افشین محمدی و افشین مروتی هر کدام دو سال.

جدا از اینها محمد وطن خواه، آرام ساطوری، جمال شریفی و لقمان محمدی محاکمه شده اند ولی هنوز نتیجه پرونده ابلاغ نشده است. برای تعداد حداقل ۶ نفر احضاریه ارسال شده است و در روز ششم شهریور توسط مزدوری به اسم "قاضی" شایق در دادگاه اسلامی

عدالتخانه های اسلامی و زندانیان آنها چه لیستهای دیگری را از مردم معترض برای محاکمه و زندان و احضار آماده کرده اند.

واضع است هدف آنها ایجاد فضای ارباب و تمکین مردم به سکوت در مقابل اجحافتی است که علیه آنها اعمال میشود. قرار است با این اقدامات زبان اعتراض کارگر و زن و جوان و مردم را در مقابل فقر و بی حقوقی ببندند. این را همگی میدانیم و سالهاست با اعمال و سیاست کثار و زور آنها زندگی کرده ایم.

اما پس راندن این تلاش ارتجاعی ممکن و از ما مردم ساخته است. دستگیری و ارباب و بلز خواست و زندان را نباید بیش از این از جمهوری اسلامی قبول کرد. سکوت در مقابل این درجه از دست درازی و حق کشی مجاز نیست. سکوت ما و سیاست دست به کلا خود گرفتن و فعان ما خود سلامتیم، امکانی شده تا رژیم راحتتر مردم را قلع و قم کند. در مقابل قلدری آنها تها راه ما اتحاد و اعتراض جمعی است. اگر دستگیری و احضار و زندان هر جوان و زن و کارگری با اعتراض ما روبرو شود، آنها نیز مجبورند دست و پای خود را جمع کنند. در همین مدت کوتاه فقط در سفر بیست تا سی نفر را بازخواست کرده اند. تنها جمع شدن خانواده و بستگان آنها و اعتراض به این توحش افسار گسیخته، جمعیتی چند صد نفر را در بر میگیرد. معضل زندان و شکنجه و کشتار که تنها معضل این سی نفر

از جوان و زن و مرد و کارگر و محصل و معلم شهر به آنها خواهند پیوست.

کل ماجرا این است که راه دیگری نیست. تا ما سکوت کنیم توق بردگی اینها را باید بالای سر خود داشته باشیم این ماییم که باید دست جنایتکارانه آنها را کوتاه کنیم و این از ما مردم ساخته است. باید اراده کرد، باید دست در دست هم گذاشت و باید توحش و بربریت را قبول نکرد. اعتراض مردم در شهرهای کردستان در دفاع از امنیت و آسایش خود حق آنهاست. زندانی کردن و تهدید و ربودن مردم به این جرم باید وسیعا از جانب ما محکوم شود. دست درازی مراکز پلیسی و آتمکشی جمهوری اسلامی به فعالین مدافع حقوق مردم را باید از برید. حفاظت از آنها، دفاع از آنها و اعتراض به تهدید و دستگیری و تبعید آن یک شرط مهم اتحاد ما و پیشرفت مبارزات ماست. کسانی که جلو صف اعتراض زن و جوان و کارگر و مردم به بی حقوقی اعتراض دارند، کسانی که زبان حل کارگر و زنان و جوانان این مملکت خواهند شد و آنها را نمایندگی میکنند را باید صمیمانه از میان خود و با دفاع صمیمانه از آنها حفظ کرد. دفاع از نمایندگان مردم در هر مبارزه ای، یکی از شروط پیروزی آن است. نباید گذاش مشتی آمد کش رهبران مردم را به راحتی تهدید، دستگیر و زندان تبعید کنند.

نیست. زندانهای آنها در هر شهر صدها نفر را در خود محبوس کرده و بخش زیادی از مردم با این مشکل روزانه دست به گریبانند. راه حل پا پیش گذاشتن چند انسان جسور و جدی و عاقل است که دست مردم را در دست هم بگذارد و عامل اتحاد و وصل شده مردم برای امری مشترک شوند. این کار ممکن است. این کار امر زن و مرد آزادیخواه و لسلوز و سوسیالیست در این جامعه است. باید نگذاشت هر جانی و سرکار پاسداری هر وقت خواست فرزند و ملر و پیر و عزیز ما را به کنج زندان بکشاند. کلید این ماجرا و عقب راندن رژیم در دست ماست. جلو زندان دانگاه و مراکز آنها را باید روزانه به محل اعتراض خود و مردم به تبدیل کرد. سکوت ما تنها امکان توحش بیشتر آنان را فراهم خواهد کرد. اگر دستگیری و محاکمه این تعداد در سفر فقط صدها نفر از مردم و خانواده و دوستانشان را متحدانه پای اعتراض بیارد، اگر در اعتراض به تهدید به ترور برهان دیوارگر و تهدید محمود صالحی و نجیبه صالح زاده، کارگران چند مرکز اعتصاب کنند، اگر تبعید پیمان نودینیان در سنندج، چند هزار معلم را به اعتصاب بکشاند، آقایان مجبورند بساطشان را جمع کنند. در سنندج فقط خانواده زندانیان سیاسی میتوانند شهر را رو سرشان بزارند. کافی است یکبار به ترور و زندان اعتراض و خواهان آزادی تمام زندانیان سیاسی شود، بیشک هزاران نفر

و حق بی امای آمریکا در دخالت در سرنوشت بشریت باید خاتمه داد. این وظیفه قبل از هر چیز و بیش از همه دست تمامی نیروهای آزادیخواه و مدافعین مدنیت مردم منطقه را میبوسد. دورانی برای عرض اندام پرفرقت طبقه کارگر کشورهای غرب و خاورمیانه، نیروهای آزادیخواه در فلسطین و اسرائیل و مدافعین مدنیت و امنیت و صلح گشوده شده است. بدون عرض اندام پرفرقت و وسیع نیروهای سوسیالیست و سکولار و آزادیخواه، پرده های خونین سناریو سیاه، و پرتاب شدن ارتجاع اسلام سیاسی به عنوان لانگر "مقاومت"، نشانی از پایان ندارد.

۱۵ اوت ۲۰۰۶

استانداردهای "جامعه بین المللی" را در هم کوبیده است. آتش بس، کشتارها و بمبارانهای وحشیانه و زیر پا گذاشتن ابتدائی ترین موازین مدنی و حتی موازین جنگهای کلاسیک را قدری مهار میکند. اما نقشه و استراتژی آمریکا برای تجدید تقسیم جغرافیای سیاسی خاورمیانه و به تبع آن تلاشی دیگر در منطقه دیگری برای اعاده نقش رو به افول سرکردگی سیاسی و نظامی و اقتصادی آمریکا را سد نمیکند. این خطر بر فراز سر مردم لبنان و فلسطین و اسرائیل آویزان است و بیم اینکه منطقه خاورمیانه در این نقطه بحرانی شرایطی شبیه به عراق کنونی را پیدا کند، کم نیست. به این جهان با استانداردهای یگانه

سرکردگی در اقتصاد و بازار جهانی است. آتش بس در لبنان اعلام شده است، اما اهداف اصلی این جنگ که میدان واقعی آن و رقبای واقعی جای دیگر و نیروها و کشورهای دیگری هستند، کماکان برآورد نشده اند. این جنگها تا زمانی که بازیگرانش را میشناسیم سیمای مخوفی را در منطقه پیشاروی مردم ترسیم میکند. مدنیت جامعه عراق آویزان است و عراق به صحنه تاخت و تاز مهره های سناریو سیاه تبدیل شده است. در منطقه خاورمیانه، معضل دیرین محرومیت مردم فلسطین از تشکیل کشور مستقل خود، پیچیده تر شده است و اشغالگری و دخالت خودسرانه اسرائیل حتی نرمها و

است. آمریکا به اقرار صریح استراتژیستهای پنتاگون و سیا، در باتلاق عراق گیر کرده است. جنگ اخیر اسرائیل علیه مردم لبنان و فلسطین، این بار با توجیه اسارات دو سرباز توسط عناصر "شر" حزب الله انجام گرفت. این جنگ ادامه استراتژی به هدف نرسیده آمریکا این بار با چماق اسرائیل و در راستای نقشه تجدید تقسیم جغرافیای سیاسی منطقه خاورمیانه است. "نقشه راه" و "خاورمیانه بزرگ" و طرحهای پنهان و آشکار تقسیم ایران و عراق و تجدید تقسیم برخی کشورهای حاشیه خلیج، بخشهایی از این استراتژی اند. هدف کماکان تلاش برای اعاده سرکردگی سیاسی و نظامی و در سلیه آن اعاده

جنگ اسرائیل در لبنان... از ص ۱

یوگوسلاوی پیشین از طرف کشورهای اروپای واحد و در راس آنها آلمان باز کرد. از سوی دیگر چین از قبل نیروی کار ۴۰۰ میلیونی کارگر یک روز یک دلاری، عرضه را در خود بازار داخلی آمریکا بر سرمایه داری آمریکا تنگ کرد. کسری موازنه خارجی آمریکا با چین به دو بیست میلیارد و با ژاپن به ۶۵ میلیارد دلار رسید. از سرگیری جنگ در مارس ۲۰۰۳ علیه عراق، گرچه به سقوط صدام و محاکمه "دیکتاتور بغداد" انجامید، اما هیچ دورنمایی از تثبیت موقعیت سیاسی و نظامی آمریکا را ترسیم نکرده

دبیر کمیته کردستان:

h_moradbiegi@yahoo.com
Tel:0046762737560

سردبیر:

sharifi abdollah@yahoo.com
Tel: 0046704007620

دستیار سردبیر: اسماعیل وایی

esmail.waisi@gmail.com

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست پیوندید!